

## ضرورت ترجمه ای آکادمیک از قرآن کریم

دکتر احمد احمدی

یکی از جویبارهای مهم دانش، که در کنار سایر جویبارهای زلال معرفت، از سرچشمه عظیم و جوشان علوم و معارف قرآن کریم منشعب شد، ترجمه قرآن کریم است. از زمانی که در سرزمین خراسان - پس از بحث و گفتگوی فراوان پیرامون جواز یا عدم جواز ترجمه قرآن - تصمیم به ترجمه این کتاب آسمانی گرفتند، تا کنون شاید تنها به زبان فارسی هزارها ترجمه انجام گرفته باشد و خود همین کار گنجینه عظیمی از لغات و ترکیبات دلنشین زبان فارسی را از دستبرد تلف نگه داشت. تنها در آستان قدس رضوی ده ها نسخه از این ترجمه های کهن موجود است که برخی از استادان محترم دانشگاه سی نسخه از آنها را منبع گردآوری واژه های زبان فارسی آن عصر قرار داده است.

بررسی آغاز کار ترجمه و سیرتاریخی آن در هر یک از زبانهای روی زمین، خود شغل شاغلی است که هدف این مقاله نیست و باید گروهی از قرآن شناسان و متخصصان ترجمه، بصورت جدی، فنی و مستمر به آن پردازند.

در این مقاله فقط می خواهم توجه ارباب نظر را به این نکته مهم معطوف سازم که: ضرورت دارد ترجمه ای دقیق، فنی و آکادمیک، بر اساس اصول و مبانی علمی

ترجمه و با استفاده از شیوه‌های بدیع رایج، به بهترین وجه، از قرآن کریم بعمل آید و سپس بر اساس همان ترجمه و با همان شیوه، ترجمه قرآن به زبانهای دیگر انجام گیرد و پیدا است که این کار مستلزم چند سال وقت‌گذاری گروهی از مفسران و مترجمان آگاه به دو زبان مبدء و مقصد است. باید ترجمه‌ای با چنان اعتبار خدشه‌ناپذیری فراهم ساخت که هیچکس از آن، به ترجمه دیگری روی نیاورد و وقتی دانشجو، استاد یا نویسنده‌ای می‌خواهد ترجمه‌ای را در نوشته خویش بیاورد با اطمینان خاطر از آن نقل کند و ضرورت این کار وقتی روشن می‌شود که مروری به ترجمه‌های معروف و در دسترس داشته باشیم و ببینیم در آنها چه مایه خطاهای بزرگ لفظی، و معنوی و حتی عقیدتی وجود دارد. خدای به مرحوم استاد الهی قمشه‌ای رفعت مقام دهد، کسانی که آن روحانی وارسته را دیده‌اند می‌دانند که در زهد و عبادت و تقوا و اخلاص و نیز در علم و حکمت و شعر و ادب چه جایگاه رفیعی داشت؟ دیوان اشعارش نمونه بارز ذوق و زبردستی وی در ادب فارسی است و «حکمت الهی» او نشانگر توان والای وی در فهم و نگارش متون دشوار فلسفه و حکمت. این عالم بزرگوار بیگمان از سر اخلاص و برای خدمت به دین خدا قرآن کریم را ترجمه و اندکی هم تفسیر کرد و ظاهراً ترجمه وی امروز بیش از هر ترجمه دیگری در دسترس مردم است. اما- از بی دقتی و بی توجهی ناشران سوداگر که بگذریم- ترجمه این نیکمرد دانشمند، خطاهایی دارد که ترجمه را نیازمند اصلاحی چشمگیر می‌سازد و جا دارد فرزند دانشمند ایشان استاد دکتر حسین الهی قمشه‌ای به این مهم پردازند و آن را از آغاز تا پایان بدقت بنگرند و اصلاح کنند.

ما در اینجا به عنوان نمونه مواردی را که در یک مرور گذرا بر چند موضع، دیده‌ایم مطرح می‌کنیم:

### ۱- ذلك الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین (بقره / ۲)

ترجمه: «این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است». چنان که می‌بینیم عبارت «لاریب فيه» را در اینجا، قید گرفته‌اند با آن که به گفته کشف و دیگران یا ذلک الكتاب، مبتدا و لاریب فيه خبر است، یا ذلک مبتدا و

الکتاب، خبر و لاریب فیه، خبر بعد از خبر است و اگر «فیه» را هم خبر مقدم و «هدی» را ابتدای مؤخر بگیریم - که گرفته اند - باز هم به گفته زمخشری و آلوسی باید برای «لاریب» عبارت «فیه» را در تقدیر گرفت و باز هم می شود «لاریب فیه»، که خبر ذلک الکتاب و یا خبر بعد از خبر خواهد بود و بهر حال قید نیست.

۲- لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم ردناه اسفل سافلین (تین/ ۳ و ۴)

ترجمه: «که ما انسان را در (مقام) احسن تقویم (و نیکوترین صورت در مراتب وجود) بیافریدیم سپس (به کیفر کفر و گناهش) به اسفل سافلین (جهنم و پست تر رتبه امکان) بر گردانیدیم».

همان طور که می بینیم «اسفل سافلین» را ظرف، آن هم «جهنم و پست تر رتبه امکان» گرفته اند، با آن که «سافلین» جمع مذکر عاقل و «اسفل» حال است از ضمیر «ه» در «ردناه» و باید چنین ترجمه شود: ... ما انسان را در بهترین صورتبندی - یا ترکیب - آفریده ایم سپس او را (به کیفر کردارش) پست ترین پستان - یا بصورت پست ترین پستان - باز گردانیدیم.

۳- و سیجنّها الاتقی الذی یؤتی ماله یتزکّی (لیل/ ۱۷ و ۱۸)

ترجمه: «و اهل تقوی از آن آتش دوری جستند (و محفوظ ماندند) ...»  
توجه داشته باشیم که فعل «سیجنّها» مضارع مجهول است و معنی چنین خواهد شد:

«وپروا پیشه ترین را که مال خویش را ... می دهد از آن (آتش) دور خواهند ساخت ... ، یا کنار زده خواهند شد».

۴- اذ قال الله یا عیسی ائی متوکیک و رافعک الی و... (آل عمران/ ۵۵)

ترجمه: «بیادآر وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح ترا قبض نموده و بر آسمان (قرب خود) بالا برم».

۵- فلما توفیتی کنت انت الرقب علیهم (مائده/ ۱۱۷)

ترجمه: (عیسی گفت ... ) «و چون روح مرا به قبضه تصرف گرفتی باز تو خود نگهبان و ناظر احوال آنان بودی».

چنان که می بینیم توفی به قبض روح (یا میراندن) ترجمه شده و این خلاف عقیده مشهور شیعه و حتی بسیاری از اهل سنت است و خود استاد عالیقدر آیه «بل رفعه الله الیه» در سوره نساء را این طور ترجمه کرده اند: «بلکه خدا او را بسوی خود بالا برد» و این، با آن دو ترجمه قبلی سازگار نیست، زیرا در آن دو، گفته شده که خدا او را قبض روح کرد (میرانید) و در این، گفته شده است که او را (زنده) فرا برد.

۶... ان اقدفیه فی التابوت فاقدفیه فی الیم فلیلقه الیم بالساحل یاخذہ عدولی و عدوله... (طه / ۳۹)

ترجمه: «وحی کردیم که کودک خود را در صندوقی گذار و به دریا افکن (چنین کردو) امواج دریا کودک را به ساحل رسانید تا دشمن من و آن طفل (یعنی فرعون) از دریا طفل را بر گرفت...»

می بینیم «فلیلقه» که فعل امر غایب است و نیز یاخذہ که جواب امر است هر دو به فعل ماضی (رسانید) و بر گرفت ترجمه شده در صورتی که ترجمه آیه چنین است: (وحی کردیم) که او (کودک) را در صندوق بگذار سپس او را به دریا بینداز، پس دریا باید او را به ساحل بیفکند تا دشمن من و دشمن او (فرعون) او را برگیرد.

۷... نحن نقصّ علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القرآن (یوسف / ۳)  
ترجمه: «ما بهترین حکایات را بوحی این قرآن بر تو می گوئیم».

در این آیه شریفه قصص بفتح قاف که مصدر است با قصص به کسر قاف که جمع قصه است اشتباه شده است. ترجمه درست آیه این است: ما با وحی کردن این قرآن به تو، ما بهترین داستانسرایی بر تو داستان می سرائیم.

ترجمه جناب آقای معزّی هم که به اندازه ترجمه مرحوم الهی قمشه ای مورد استفاده همگان نیست، اما بهر حال از ترجمه هائی است که در دسترس عموم است، خطاها و کم دقتی هایی بسیار بیشتر از ترجمه مرحوم الهی دارد. این ترجمه هم احسن القصص را بهترین قصه ها و اسفل سافلین را به «سپس باز گردانیدیمش فرود فرودین» ترجمه کرده است.

در یک نگاه گذرا موارد زیر ملاحظه شد:

الف - فما يكذبك بعد بالدين (تین / ۷)

ترجمه: «پس چه چیز تکذیب کند از این پس به دین»

چنان که می بینیم ضمیر کاف در یکذبک حذف شده و معنی بکلی از دست رفته است. با آن که ترجمه درست آن چنین است: پس (ای انسان، بعد از این بیان روشن) دیگر چه چیز ترا وا می دارد که بسبب (دروغ شمردن) جزاء، دروغ بگویی؟ - یا: (ای پیامبر، پس از این بیان روشن) دیگر چه چیز ترا در (خبردادن از) جزاء، - یا در مورد دین (اسلام) - کاذب وانمود می کند؟

ب - «وما يدريك و ما ادراك» را «چه دانست» ترجمه کرده اند و پیدا است که معنای محصلی ندارد.

ج - اychسب الانسان ان لن نجمع عظامه بلى قادرين... (قیامة / ۴۳)

ترجمه: «آیا پندارد انسان که هرگز گرد نیآوریم استخوانهایش را بلی توانائیم...» همانطور که می بینیم «توانائیم» را خبر گرفته اند با آن که «قادرین» حال است از فعل محذوف و باید چنین ترجمه شود: «بلی (گرد می آوریم آنها را) در حالی که توانائیم بر این که سر انگشتانش را (هم نیک) پردازیم» و میان خبر گرفتن «قادرین» و حال گرفتن آن فاصله بسیار فراوان است زیرا در صورت اول خداوند، تنها خبر می دهد که می تواند سر انگشتان انسان را پردازد اما از تحقق و وقوع گرد آوردن استخوانهای انسان خبر نمی دهد ولی در صورت حال بودن، از وقوع گرد آوردن استخوانها خبر می دهد با این قید که حتی می توانیم سر انگشتان وی را هم پردازیم بصورت نخست در آوریم.

د - والعاديات ضبحا (عاديات / ۱)

«ترجمه: «سوگند بدوندگان بستوه آمدن»

می بینیم که معنای قابل فهمی نیست و ترجمه آن این است: «سوگند به تکاوران دمان». ه - فاذا جاء وعد الاخرة ليسووا وجوهكم وليدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة ...

(اسراء / ۷)

ترجمه: «و هنگامی که بیاید وعده باردوم ناخوش دارند و جوه شمارا و درآیند مسجد

را چنان که درآمدندش نخستین بار . . .

ملاحظه می کنید که جواب «اذا جاء» را «لیسوؤا» گرفته اند با آن که «لیسوؤا» با لام جر نمی تواند جواب باشد بلکه متعلق به فعل محذوفی است و ترجمه درست آیه چنین است: پس وقتی وعده (بار) دوم بیاید (باز هم بندگان نیرومند خویش را برمی انگیزیم) تا چهره های شما را (از شدت اندوه) ناخوشایند سازند و وارد مسجد (بیت المقدس) شوند آن چنان که نخستین بار وارد آن شدند . . . و در این ترجمه و شاید در همه ترجمه ها بدون استثناء دو واژه «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» به «بخشاینده مهربان» ترجمه شده با آن که ریشه این دو کلمه «رحمة» است و جای سؤال است که چرا در «رحمن» به «بخشایش» و در «رحیم» به «مهربان» ترجمه می شود؟ بنظر می رسد بهتر است «رحمن» را به «مهر گستر» یا «گسترده مهر» و «رحیم» را به همان «مهربان» ترجمه کنیم تا وحدت اصل یعنی «رحمة»، در دو کلمه، و نیز گستردگی و عموم و شمول معنای «رحمن» مراعات شده باشد.

اینها نمونه های پراکنده ای است از دو ترجمه دردسترس و نسبتاً معتبر، و پیداست که ترجمه های نامعتبر مزدبگیران و ناواردان چگونه خواهد بود، و این در زبان فارسی است که ترجمه در آن، ظاهراً کهن ترین سابقه را دارد، چه رسد به زبانهای دیگر. در ترجمه های غربی گاه وضع بسیار بهتر از زبان فارسی و گاه برابر آن و گاهی هم بدتر از آن است. آریبری در ترجمه خویش که در شمار بهترین ترجمه ها است، ظاهراً به تبع برخی از مترجمان پیش از خود - سوره قدر را سوره 'power یعنی قدرت ترجمه کرده است - (۱) و نمونه آن در سایر ترجمه های اروپایی کم نیست.

بنا بر آن چه به اختصار گفته شده باید همانطور که در آغاز سخن گفتیم در این زمینه، یک کار گروهی فنی آکادمیک با دقت تمام انجام گیرد و اختلاف تفسیرها و اختلاف قرائات معتبر را هم مانند ترجمه آلمانی رودی پارت به گونه ای در پاورقی منعکس کنیم و این کاری است که واقعاً جای آن خالی است.

(۱) به خواست خداوند در آینده پاره ای از موارد اشتباه مترجمان غربی را ذکر خواهیم کرد.